

جایگاه عدالت در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و الگوی لیبرالی توسعه با تأکید بر آراء امام خامنه‌ای داماد

مسعود جعفری نژاد* / شعیب بهمن**

(۱۳۷-۱۶۱)

چکیده

عدالت همواره مورد توجه جدی بشر قرار داشته است (تاریخچه). اما بیشتر در عالم نظر، نه در دنیای عمل و به صورت کلی، نه به شکل مقایسه‌ای و تنها در سطوح خرد، آن را جست‌وجو کرده است (پیشینه)؛ از این رو، نباید تعجب کرد که مقایسه‌ای از عدالت در نگاه لیبرالی و اسلامی بر پایه نگاه امام خامنه‌ای داماد در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، در دسترس نباشد (مسئله). بنابراین، نوشتار پیش رو در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال است: «عدالت در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و الگوهای لیبرالی توسعه و در قالب آراء آیت‌الله خامنه‌ای داماد از چه جایگاه و تفاوت‌هایی برخوردار است؟» (سؤال). از دیدگاه ما، این تفاوت‌ها، ماهوی و در ابعاد هستی، معرفت و روش‌شناسانه قابل تحلیل است (فرضیه). نویسندگان این مقاله می‌کوشند تا با روش توصیفی، تحلیلی و تطبیقی و با استنباط از منابع معتبر اسلامی و بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای داماد (روش) به تمایزات الگوی

*. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا (نویسنده مسئول) - pegah220ja@yahoo.com

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا - Shuaibbahman@gmail.com

اسلامی-ایرانی پیشرفت با الگوهای لیبرالی توسعه در مقوله عدالت دست یابند(هدف). در الگوهای لیبرالی، توجه به حیات دنیوی، موجب نادیده گرفتن نقش عدالت در توسعه می‌شود. عدالت در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و در قالب آراء آیت‌الله خامنه‌ای(علیه السلام) به معنای پرهیز از تبعیض است و پیشرفت مبتنی بر عدالت، زمینه‌ساز دستیابی به حیات طیبه تلقی می‌گردد(یافته).

واژگان کلیدی

عدالت، پیشرفت، الگو، لیبرالیسم، اسلام، توسعه و آیت‌الله خامنه‌ای(علیه السلام)

مقدمه

از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون، توسعه به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل و مفاهیم در محافل نظری مختلف و مراکز برنامه‌ریزی کشورها به طور فراگیر، مطرح بوده است. یکی از دلایل فراگیر شدن مفهوم توسعه، رقابت دو ابرقدرت شرق و غرب برای تسری الگوی خود به عنوان الگوی برتر رشد و توسعه اقتصادی در سایر ملل است تا از این طریق، بتوانند در کشورهای توسعه‌نیافته، نفوذ خود را افزایش دهند و آن‌ها را به خود وابسته‌تر کنند؛ براین اساس، فرایند توسعه از دهه ۱۹۵۰ به بعد، با دو نگاه سوسیالیستی و لیبرالیستی مطرح گردید. در الگوهای سوسیالیستی اموری مانند عدالت اجتماعی و تأمین نیازهای پایه‌ای و اساسی به عنوان بحث‌های محوری مطرح شد. در الگوهای لیبرالیستی نیز، توجه به افزایش رشد اقتصادی و رفاه بدون در نظر گرفتن مقولاتی همچون عدالت اجتماعی، کانون توجه بود. در این نظریه‌ها اغلب توسعه به مثابه افزایش پایدار سرانه تولید ناخالص داخلی همراه با دگرگونی ساختار اقتصادی و ارتقای کلی سطح زندگی بخش‌های وسیعی از مردم در نظر گرفته می‌شد.

در این میان، عدالت همواره به عنوان یکی از اساسی‌ترین ارزش‌های انسانی مورد توجه دولت‌ها، ملت‌ها، اندیشمندان، نخبگان، نهادها، سازمان‌ها، نحل‌ها و مکتب‌ها قرار داشته است و حتی در طراحی و تدوین نظریه‌های توسعه و الگوهای پیشرفت به کار رفته است. اسلام نیز، بر عدالت به مثابه زیربنای رسالت پیامبران و خاتم پیامبران تأکید کرده است.

پیامبر اکرم (ص)، حکومت خود را بر پایه عدالت بنا نهاد و حضرت امیر (ع) برای برپا داشتن عدالت، تن به شهادت داد. سایر ائمه (ع) در فراق عدالت جان سپردند و امام عصر (ع) با ندای عدالت به قیام برمی‌خیزد و عدالت را می‌گستراند.

یکی از شعارهای کلیدی نهضت اسلامی مبارزه با بی‌عدالتی شاهانه و استقرار عدالت در جمهوری اسلامی بوده است. همچنین، عدالت به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در بحث تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مطرح شده است. با توجه به اهمیتی که بحث عدالت در طرح و تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در برابر الگوهای لیبرالی توسعه دارد، این نوشتار می‌کوشد در پاسخ به سؤال پیش‌گفته، نخست درباره جایگاه عدالت در هریک از الگوهای لیبرالی توسعه و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت بحث و بررسی خواهد کرد، سپس، به بررسی مقایسه‌ای جایگاه عدالت در الگوهای لیبرالی توسعه و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت بر پایه آرای آیت‌الله خامنه‌ای بپردازد.

جایگاه عدالت در الگوهای لیبرالی توسعه و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت

بررسی سیر تحول اندیشه‌ها و الگوهای توسعه حکایت از وابستگی و ارتباط آن‌ها به دو مکتب فکری لیبرالیسم و سوسیالیسم دارد. به نحوی که این دو مکتب فکری مهم، چه در ادبیات توسعه و چه در الگوها و استراتژی توسعه، تأثیرگذار بوده‌اند، به‌خصوص که معرفت‌شناسی، جهان‌بینی، انسان‌شناسی، ابعاد فکری، الگو و شیوه حرکت و همچنین، اهداف و آرمان‌های الگوهای توسعه از این مکاتب ناشی شده‌اند، البته، به دلیل تنوع دیدگاه‌ها و الگوهای ارائه‌شده از سوی اندیشمندان هر دو طیف، به دلیل پرهیز از مطول شدن بحث، صرفاً به بررسی جایگاه عدالت در نظریه‌های عام لیبرالیسم می‌پردازیم. علاوه بر الگوهای لیبرالی توسعه، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز، دارای معرفت‌شناسی، جهان‌بینی، انسان‌شناسی، ابعاد فکری، الگو و شیوه حرکت و همچنین، اهداف و آرمان‌های مختص به خود است؛ از این‌رو، در این نوشتار، بررسی مفهوم و جایگاه عدالت در الگوهای لیبرالی توسعه و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، حائز اهمیت است.

۱. جایگاه عدالت در الگوهای لیبرالیستی توسعه

لیبرالیسم^۱ به معنای آزادی خواهی، از واژه انگلیسی لیبرتی^۲ به معنای آزادی گرفته شده است. ارائه تعریف دقیق و جامع از لیبرالیسم به عنوان مکتبی سیاسی و اجتماعی کاری دشوار است؛ زیرا نظریه پردازان غربی در این خصوص تعریف‌های متعددی ارائه کرده‌اند (Arblaster, 2015: 10-11)؛ برای مثال، ژاکوب شاپیرو^۳ (ت ۱۸۹۹/۱۲۷۸) معتقد است: «لیبرالیسم را می‌توان به طور دقیق، نگرشی به زندگی و مسائل آن وصف کرد که تأکیدش بر ارزش‌هایی همچون آزادی برای افراد، اقلیت‌ها و ملت‌هاست» (Schapiro, 2012: 3). در این میان، بحث عدالت در مکتب لیبرالیسم و نسبت آن با توسعه در الگوهای لیبرالیستی تأمل برانگیز است. مکتب فکری لیبرالیسم از دو نظر بر شکل‌گیری الگوهای توسعه تأثیرگذار بوده است: نخست، آنکه باعث پدید آمدن الگوی «نوسازی»^۴ شد و دوم آنکه با توجه به غیریت و تضادی که با مکتب مارکسیسم داشت، موجب شکل‌گیری الگوی «وابستگی»^۵ گردید. پس از جنگ جهانی دوم، نظریه نوسازی مهم‌ترین الگوی توسعه اقتصادی لیبرالیستی خوانده شد. خاستگاه این تئوری، فضایی بود که در آن امریکا بدون کمترین آسیب از جنگ جهانی دوم، در اوج قدرت قرار داشت. این مکتب که مدلی عملیاتی از مفهوم توسعه و مبتنی بر نظریه سیاسی لیبرال داشت، برای کشورهای عقب‌مانده پیامدهای متعدد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دربر داشت؛ به طور کلی، مدل اقتصادی نظریه‌های نوسازی مبتنی بر همان نگرش اقتصاددان‌های نوکلاسیک است که بر افزایش میزان تولید ناخالص ملی و رشد در عرصه‌هایی نظیر صنعتی شدن، دستیابی به فناوری پیشرفته، انباشت سرمایه و مالکیت خصوصی در حوزه‌هایی همچون تولید و تجارت تأکید می‌کنند و بر اصول بازار آزاد اتکاء دارند. بر این مبنا، در نظریه‌های نوسازی، «جامعه مدرن» به جوامع صنعتی غربی و

1. Liberalism.
 2. Liberty.
 3. Jacob Salwyn Schapiro.
 4. Modernization.
 5. Dependency.

(جامعه سنتی) به جوامع توسعه نیافته اطلاق می‌شود (Малков, Божевольнов, Халтурина,) (Коротаяев, 2015: 237).

نظریه نوسازی با استفاده از الگوی لیبرالی، سرمایه‌داری را مدلی با کاربرد عام می‌شمرند و به ارائه مدلی در مورد چگونگی و روند دگرگونی می‌پردازند (راش، ۱۳۸۳: ۲۵۱). در نظریه‌های نوسازی، فرض را بر این می‌گذارند که فرایند نوسازی و صنعتی شدن اجتناب‌ناپذیر است و کشورهای رو به توسعه، فرصت‌های مشابهی برای صنعتی شدن دارند. این نظریه‌ها، تاریخ توسعه اروپا را به الگویی انتزاعی و قابل تعمیم به تمام کشورها، تبدیل کرده‌اند (Hoogvelt, 1982: 116).

نقدهایی که در دهه ۱۳۶۰/۱۹۸۰ به الگوی توسعه در نظریه سنتی نوسازی وارد شد، نظریه پردازان را به ارائه تعریف جدیدتری از توسعه سوق داد. به نحوی که مطالعات و نظریات این گروه تحت عنوان نظریات نوسازی جدید ارائه شد. از تئوری پردازان شاخص نوسازی جدید می‌توان به ساموئل هانتینگتون^۱ (ت ۱۳۰۶/۱۹۲۷) اشاره کرد. وی نوسازی را براساس میزان صنعتی شدن، تحرک و تجهیز اجتماعی، مشارکت سیاسی و رشد اقتصادی، مورد ارزیابی قرار می‌دهد و معتقد است، با توجه به آنکه در فرایند نوسازی و توسعه سیاسی، تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر، ظهور می‌کنند، بنابراین، نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد؛ وگرنه، سیستم با بی‌ثباتی، هرج و مرج، اقتدارگرایی و زوال سیاسی مواجه خواهد شد و امکان دارد پاسخ جامعه به این نابه‌سامانی‌ها، به شکل انقلاب، تجلی کند.

نظریه نوسازی جدید به‌رغم تفاوت‌های ظاهری با نظریه سنتی نوسازی، همان انگاره‌ها و مفروض‌ها را در ذات خود حفظ کرد؛ از این رو، به‌رغم آنکه در مطالعات جدید نوسازی بسیاری از نقاط ضعف این نظریه مرتفع شد، اما این رویکرد نیز، نتوانست مجدداً الگوی مناسبی در اختیار جهانیان قرار دهد.

در این میان، بررسی اندیشه‌الگوهای سنتی و جدید نوسازی نشان می‌دهد که عدالت، اساساً در این الگوها که ریشه در مکتب لیبرالیسم دارند، جایگاه ویژه‌ای در جریان توسعه ندارد و این الگوها، تنها به مسئله رشد اقتصادی توجه دارند! علت اصلی این دیدگاه را باید در برداشت اندیشمندان و نظریه‌پردازان لیبرالیسم از عدالت یافت. در دوران معاصر سه نظریه مهم در مورد عدالت از سوی لیبرال‌ها ارائه شده است که هر سه، بیانگر روح حاکم بر الگوهای غربی توسعه هستند:

۱. جان راولز^۱ (ت ۱۹۲۱/۱۳۰۰) با طرح مسئله «عدالت به مثابه انصاف»^۲ نظریه عدالت را بر مفهوم حق، بنا نهاد که مبتنی بر دو اصل تصدیق حق مساوی برای همه، با هدف برخورداری از آزادی‌های اساسی مثل آزادی‌های سیاسی، بیان و... و توجیه نابرابری‌های اجتماعی به شرطی که برای مصالح همگان، سازمان‌یافته باشند، است. از دید راولز، آزادی دربرگیرنده مفاهیم برابری و عدالت نیز، هست و عدالت از درون آزادی، سر برمی‌آورد (Rawls, 2005: 12-13)؛

۲. رابرت نوزیک^۳ (ت ۱۹۳۸/۱۳۱۷) با طرح «عدالت توزیعی»^۴ به طرف‌داری از نظریه اصالت فرد پرداخت. وی بر آن بود که هر انسانی برای خود، هدف و غایت است و نباید به سبب انسان‌های محروم دیگر، مورد تجاوز قرار گیرد. براساس اعتقاد نوزیک، هویت و حق فرد در هر شرایطی باید محفوظ بماند و محترم شمرده شود. از نظر نوزیک، هیچ‌کس حق تجاوز به حقوق طبیعی انسان را ندارد؛ برای مثال، هیچ‌کس نمی‌تواند حق مالکیت را از طریق اخذ مالیات، نقض یا محدود کند؛ زیرا چنین امری، عدول آشکار از مرز عدالت است (Bader, 2013: 54)؛

۳. فردریش هایک^۵ (ت ۱۸۹۹/۱۲۷۸) با طرح «عدالت اجتماعی»^۶ معتقد است که حکومت باید در برخورد با افراد به منزله موجوداتی یک‌سان رفتار کند که دارای نابرابری در

1. John Rawls.
 2. Justice as Fairness.
 3. Robert Nozick.
 4. Distributive Justice.
 5. Friedrich Hayek.
 6. Social justice.

بهره داشتن از امکانات هستند. از نظر وی، کوشش برای یک‌سان‌سازی و حذف تفاوت‌ها و نابرابری‌های اولیه، خود موجب رفتار متفاوت با افراد می‌شود و بی‌عدالتی ایجاد می‌کند)

(Barry, 2015: 36; Lister, 2011: 7-9).

بررسی نظریه‌های مهم لیبرال‌ها درباره عدالت نشان می‌دهد که الگوی اقتصادی نوسازی سنتی و جدید که مبتنی بر لیبرالیسم است، نه تنها موجب برقراری عدالت نمی‌شود، بلکه در دو حوزه داخلی و خارجی، عدالت را نیز به چالش می‌کشد:

در حوزه داخلی، یکی از نقایص نظام سرمایه‌داری، نابرابری در توزیع درآمدهاست. بعضی از طبقات اجتماعی امکانات و درآمدهایی دارند که برای آن‌ها هیچ زحمتی نمی‌کنند؛ مثل درآمدهای حاصله از خرید و فروش زمین، انحصار کالا و... که این درآمدها مانع تقسیم عادلانه ثروت بین طبقات مختلف اجتماع می‌شود و به فاصله طبقاتی می‌انجامد، در واقع، یکی از مهم‌ترین نتایج الگوهای نوسازی سنتی و جدید، ایجاد شکاف اقتصادی و اجتماعی گسترده میان اقشار و طبقات مختلف جامعه در جریان توسعه است.

در حوزه خارجی، نظام سرمایه‌داری موجب فاصله روزافزون و تضاد رو به افزایش کشورهای سرمایه‌داری از کشورهای توسعه‌نیافته می‌شود. درحقیقت، کشورهای سرمایه‌داری قسمت عمده‌ای از پیشرفت خود را به قیمت بهره‌کشی از کشورهای توسعه‌نیافته به دست می‌آورند؛ از این رو، می‌توان یکی از عواقب سرمایه‌داری را رکود یا توسعه‌کُند کشورهای عقب‌مانده از یک سو و ژرف‌تر شدن شکاف میان کشورهای پیشرفته صنعتی با کشورهای عقب‌مانده، از سوی دیگر برشمرد. این امر، باعث بروز نابرابری جهانی و نمود آن در شکل‌هایی همچون سلطه‌طلبی و استعمارگری می‌شود. کما اینکه اکثر کشورهایی که مروج الگوی نوسازی بوده‌اند، همچون آمریکا و کشورهای اروپایی، همگی در زمره کشورهای سلطه‌طلب و استعمارگر قرار گرفته‌اند (Гавров, 2012: 824).

۲. جایگاه عدالت در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یکی از مباحث مهم و بنیادینی است که حضرت آیت‌الله

خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه در فضای سیاسی و اجتماعی ایران آن را مطرح کرده و اهتمام جدی به مسئله عدالت دارد. ایشان به دلیل تمایزگذاری میان مفهوم توسعه در جوامع غربی با جهان‌بینی اسلامی، مفهوم پیشرفت را مطرح کردند و نخبگان فکری و فرهنگی کشور را به سمتی سوق دادند که مفهوم جدیدی فراتر از مفاهیم رایج «توسعه» و «ترقی» که از سوی مدرنیست‌ها عنوان شده است و در افق تاریخی - فرهنگی غرب مدرن می‌گنجد، تعریف نمایند، در این راستا، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای استفاده از کلمه «پیشرفت» را به جای کلمه رایج «توسعه» مدنظر قرار دادند. ایشان به این دلیل که کلمه توسعه یک اصطلاح متعارف جهان، با بار معنایی و ارزشی و الزامات خاص است، به جای‌گزینی کلمه پیشرفت به عنوان مفهومی بومی پرداختند. با توجه به آنکه معمولاً بار ارزشی مفهوم توسعه به معنای یکی شدن با ارزش‌های غربی است، جای‌گزین کردن مفهوم پیشرفت بی‌انگیز ضرورت بهره‌مندی از الگوهای بومی است، بنابراین، از مفهوم پیشرفت نباید توسعه به مفهوم رایج غربی تداعی شود. اصطلاح توسعه در عرصه‌های سیاسی و جهانی رایج است و حتی امکان دارد پیشرفت مد نظر الگوی اسلامی ایرانی نیز، وجوه مشترکی با مفهوم توسعه داشته باشد، اما ضروری است که اصطلاح پیشرفت در نظام واژگانی جمهوری اسلامی ایران، معنای خاص خود را بیابد و از آن، توسعه به مفهوم غربی تلقی و برداشت نشود؛ زیرا آنچه نظام اسلامی ایران می‌خواهد، توسعه با مختصات و شاخص‌ها غربی نیست (بیانات مقام معظم رهبری رحمته‌الله‌علیه، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸).

همچنین، باید توجه داشت که پیشرفت یک معنای مطلق و الگویی واحد برای همه کشورها و جوامع ندارد. عوامل و شرایط تاریخی، طبیعی، جغرافیایی، جغرافیای سیاسی، انسانی، زمانی و مکانی گوناگون می‌توانند در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر بگذارند، به نحوی که ممکن است یک مدل پیشرفت برای یک یا چند کشور مطلوب باشد، اما همان مدل برای کشور دیگر به صورت نامطلوب عمل کند. در نتیجه، یک مدل واحد برای پیشرفت وجود ندارد و هر نوع پیشرفتی باید با شرایط تاریخی و جغرافیایی و همچنین، فرهنگ و میراث ملی و مذهبی آن کشور همخوانی داشته باشد؛ از این‌رو، هر کشوری ناگزیر است

الگوی ویژه و مدل بومی پیشرفت را متناسب با شرایط خود بیابد (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام)،
۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸).

طرح مسئله الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت از سوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در شرایطی صورت گرفت که ایران در طول سال‌های گذشته، الگوهای مختلف غربی را برای رشد و توسعه خود آزموده بود، اما چه در دوران پهلوی و چه در دوران پس از انقلاب، موفقیت‌چندانی دربر نداشتند و نتوانستند ایران را به کشوری پیشرفته تبدیل کنند، درحالی‌که انقلاب اسلامی که در ذات خود آرمان‌های بزرگ دارد، برای دستیابی به اهداف متعالی خود، نیازمند طراحی و تدوین یک الگوی فراگیر است.

بررسی مفهوم و ماهیت پیشرفت در اسلام، مؤلفه‌های پیشرفت در نگاه امام خمینی علیه السلام و عرصه‌ها و اهداف الگوی پیشرفت از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانگر آن است که الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، دارای ویژگی‌های یگانه‌ای است، به نحوی که الگوی پیشرفت مدنظر مقام معظم رهبری علیه السلام بر اخلاق‌مداری، عدالت‌خواهی و کمال و تعالی انسان مبتنی است؛ ازاین‌رو، به عقیده حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام، چهار عرصه اساسی در حوزه پیشرفت وجود دارد:

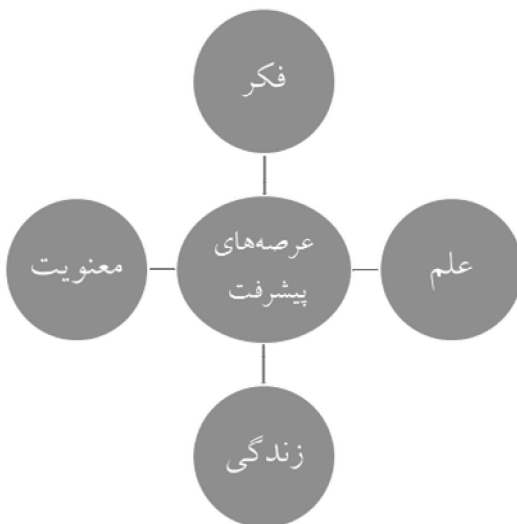
۱. پیشرفت در عرصه فکر

۲. پیشرفت در عرصه علم

۳. پیشرفت در عرصه زندگی

۴. پیشرفت در عرصه معنویت (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹: ۱۰ آذر).

عرصه‌های پیشرفت از نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه

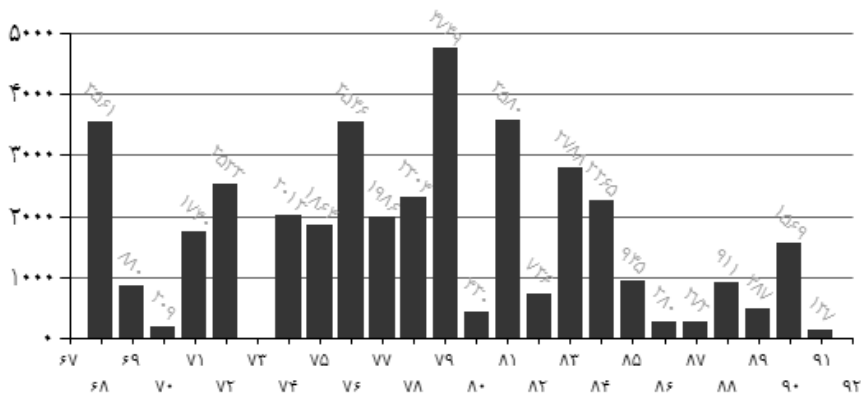


این عرصه‌ها نشان می‌دهند که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در ماهیت معرفت‌شناسی، نوع نگاه به تکامل، روش و شیوه حرکت و همچنین، اهداف و آرمان‌های خود، تفاوت‌های اساسی با الگوهای لیبرالی توسعه دارد. یکی از جنبه‌های مهم این تفاوت را می‌توان در نگاه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به عدالت برشمرد. این امر، هنگامی نمایان‌تر می‌شود که به بحث اهمیت عدالت در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که مد نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه است، توجه کافی صورت گیرد. به خصوص که ایشان بارها از عدالت به عنوان معیار برای تشخیص حق و باطل حکومت‌ها، یاد کرده و معتقدند: عدالت معیار حق و باطل حکومت‌هاست، یعنی در اسلام چنانچه شاخص عدالت وجود نداشت، حقانیت و مشروعیت حکومت زیر سؤال است:

در خصوص مسئله اقتصاد «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَهُ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷) یک معیار مهمی است. مسئله عدالت، بسیار مهم است. یکی از ارکان اصلی این الگو باید حتماً مسئله عدالت باشد. اصلاً عدالت، معیار حق و باطل

حکومت‌هاست، یعنی در اسلام، اگر چنانچه شاخص عدالت وجود نداشت، حقانیت و مشروعیت زیر سؤال است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).
به همین دلیل، ایشان همواره بر مسئله عدالت اجتماعی در کشور تأکید می‌کنند. نمودار زیر بیانگر میزان توجه و اهتمام ایشان به تبیین مفهوم عدالت اجتماعی در جامعه است.

تبیین عددی - تاریخی کلیدواژه «عدالت» در بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام



عدالت در بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت

آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای علیه السلام، مؤسسه پژوهشی - فرهنگی انقلاب اسلامی، (۱۳۹۵)

از نظر مقام معظم رهبری، عدالت یکی از شاخص‌های پیشرفت است. در واقع، اگر کشوری در جلوه‌های گوناگون تمدن مادی از جمله علم و فناوری پیشرفت کند، اما به عدالت اجتماعی دست نیابد، آن کشور از نظر منطق اسلام به پیشرفت دست نیافته است، چنانچه در بسیاری از کشورها، علم، صنعت و شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده، اما در عین حال، فاصله و شکاف طبقاتی نیز، عمیق‌تر شده است (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۲۲ مهر ۱۳۹۱).

به این ترتیب، قرار گرفتن الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت بر پایه عدالت، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این الگوست؛ چراکه ارتباط مستقیمی میان دو مفهوم عدالت و

پیشرفت وجود دارد. مسئله عدالت از نظر آیت‌الله خامنه‌ای چندان اهمیت دارد که ایشان در تبیین تفاوت‌های موجود میان الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت با الگوهای رایج لیبرالی، اصل عدالت را از وجوه متمایزکننده الگوهای بشری و الهی می‌دانند و فقرزدایی، کاهش فاصله طبقاتی و تلاش برای برابری افراد در استفاده از امکانات و برابری در فرصت‌ها را از مقدمات اصلی عدالت اجتماعی مورد نظر اسلام بر می‌شمارند (بیانات مقام معظم رهبری دعوت‌الله، ۱ فروردین ۱۳۸۸).

به هر روی، با توجه به اهمیت بنیادین عنصر عدالت در نظام جمهوری اسلامی ایران و مطرح شدن این شعار به عنوان یکی از مهم‌ترین رسالت‌های نظام اسلامی، می‌توان گفت که تحقق جامعه عدالت‌محور، یکی از بایسته‌های مهم الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است.

بررسی جایگاه عدالت در الگوهای لیبرالی توسعه و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

بررسی روند تاریخ و سیر تحول مفهوم توسعه حکایت از آن دارد که این مفهوم، از نظر ماهوی با مفهوم پیشرفت متفاوت است؛ علاوه بر این، الگوهایی که از نظریه‌های توسعه منشعب شده‌اند نیز، با الگوی پیشرفت در اسلام، تفاوت‌های اساسی دارند؛ زیرا این الگوها، اغلب از دو مکتب لیبرالیسم و مارکسیسم نشئت گرفته‌اند که با مکتب و آموزه‌های اسلام، کاملاً متفاوت هستند؛ به همین دلیل نیز، الگوهای لیبرالی توسعه از لحاظ ماهیت، مفهوم، موضوع، روش و اهداف و آرمان با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مغایرت دارند. این مغایرت، در حوزه مفاهیمی همچون عدالت به وضوح قابل شناسایی هستند.

۱. مقایسه عدالت در اسلام و لیبرالیسم

مفهوم عدالت در اسلام با تعریف عدالت در جامعه لذت‌گرا و منفعت‌طلب که اساس بنیان خود را در تأمین فرصت برای کسب هرچه بیشتر سود افراد قرار داده، بسیار متفاوت است.

در فرهنگ اقتصادی اسلام، دربارهٔ واژهٔ عدالت، مفاهیم گسترده‌ای مطرح می‌شود. به نحوی که در پیشرفت، عدالت اسلامی، به‌رغم مسائلی مانند ایجاد فرصت‌های برابر برای رشد اقتصادی افراد، مفاهیم والای اخلاقی نیز، مطرح می‌گردد. نقش یک فرد در سیستم اقتصاد اسلامی همواره با توجه به موضوعاتی مانند زکات، خمس، وقف، اطعام ایتم و حتی ولایت‌پذیری تعریف می‌شود. این موضوع، باعث شده است که نسبت پیشرفت و عدالت با توسعه و عدالت در گفتمان لیبرالیسم کاملاً متفاوت باشد؛ از این رو، بررسی تطبیقی اسلام با لیبرالیسم با تأکید بر عدالت از چند حیث درخور توجه است:

الف) نظام معرفتی: از لحاظ معرفت‌شناختی، اسلام یک دین الهی محسوب می‌شود و لیبرالیسم، ایدئولوژی انسانی به شمار می‌آید؛ به همین دلیل، نگاه اسلام به عدالت صرفاً نگاه مادی و دنیوی نیست، اما رویکرد لیبرالیسم معطوف به رفاه مادی انسان در دنیاست و توجهی به آخرت ندارد.

ب) بنیاد معرفتی: از حیث بنیاد معرفتی، اسلام بر اساس خدامحوری استوار شده است، اما پایهٔ لیبرالیسم را انسان‌محوری تشکیل می‌دهد. این مسئله، باعث شده است که عدالت در اسلام بر پایهٔ خدامحوری تفسیر شود، اما در لیبرالیسم، انسان‌کانون تعریف و تفسیر عدالت قرار گیرد.

ج) مرجعیت: از جنبهٔ مرجع‌شناسی، اسلام دینی و حیانی است، در حالی که لیبرالیسم، دارای نظام فلسفی و حقوقی انسان‌ساخته است. مرجع قوانین و قواعد اسلامی، دین و حیانی و مرجع قواعد و قوانین لیبرالیستی را نظامی فلسفی و حقوقی شکل می‌دهد که انسان، تبیین و تعیین کرده است، بنابراین، عدالت در اسلام از و حیانیت دین ناشی می‌شود، در حالی که در لیبرالیسم، از امیال و اندیشه‌های انسان نشئت می‌گیرد (Sorensen, 2015: 37).

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای داماد، باید اسلام به عنوان مبنا و معیار پیشرفت در نظر گرفته شود، زیرا مقایسه با سایر کشورها و نظام‌های سیاسی، امری ساده است و می‌تواند ما را به این نتیجه برساند که پیشرفت کرده‌ایم، اما اگر موقعیت خود را با آنچه معیار اسلام است،

مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که هنوز فاصله زیادی داریم و باید به منظور دستیابی به پیشرفت، مطابق با شاخص‌های اسلامی، تلاش کنیم (بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام، ۲۲ مهر ۱۳۹۱).

د) انسان‌شناسی: انسان‌شناسی لیبرالیسم بر نگاه اومانستی به انسان استوار شده است که آفات و آسیب‌های بسیار زیادی دارد. اومانیسیم،^۱ انسان‌سالاری، اصالت بشر، بشرسالاری یا خودبنیادی، مکتبی است که انسان را محور و مدار آفرینش قرار می‌دهد و با اصالت دادن به او، اصالت خدا، دین یا هر امر غیر بشری را نفی می‌کند. معنای اعم این اصطلاح، عبارت است از هر نظام فلسفی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی یا اجتماعی‌ای که هسته مرکزی آن انسان است (Walters, 2016: 15).

از نظر لیبرال‌ها، انسان تنهاترین و یگانه‌ترین حقیقت آفرینش است و به همین دلیل، محور تمام هستی تلقی می‌شود. در این تعبیر، هرگونه اندیشه متافیزیکی مانند وحی الهی انکار و انسان در تضاد با خدامحوری تعریف می‌شود (Vincent, 2009: 140). مفهوم لیبرالی ماهیت انسان، افعال انسان را ناشی از انرژی طبیعی تمنیات و امیال ذاتی او می‌داند که فعالانه از درون می‌جوشد. عمل و رفتار فرد به‌طور طبیعی ملهم از احساسات، امیال و تمنیاتی است که در بنیاد، خودخواهانه‌اند؛ زیرا فرد طبعاً به دنبال خوش‌بختی، لذت و رضای تمنیات خویش است (Arblaster, 2015: 32-33).

اسلام نه تنها در کنار بعد مادی انسان به جنبه روحی و معنوی او توجه می‌کند، بلکه اصل شخصیت انسان را، روح می‌داند. به همین سبب، در کنار حیات دنیوی، برای زندگی اخروی نیز، برنامه‌هایی عرضه و جهت اصلی زندگی انسان را متوجه آخرت می‌کند (عنکبوت: ۶۴).

اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه نگاه به انسان است؛ زیرا انسان در اسلام به مثابه یک موجود دوساحتی است که دو وجه دنیوی و اخروی دارد؛ از همین رو، اگر یک تمدن، فرهنگ یا آیین، انسان را تک‌ساحتی تلقی کند و خوش‌بختی آن را فقط در زندگی مادی دنیایی به حساب آورد، طبعاً پیشرفت در منطق او، با پیشرفت در منطق اسلام - که انسان را

۱. واژه اومانیسیم (Humanism)، در لغت به معنای انسان‌گرایی یا انسان‌مداری است و ناظر به مجموعه‌ای از مفاهیم در باب طبیعت، ویژگی‌های معرفت، نیروها، تعلیم و تربیت و ارزش‌های افراد بشری است (Luik, 1998:528).

دو ساحتی می‌داند - به کلی متفاوت خواهد بود. جامعه اسلامی هنگامی به پیشرفت دست می‌یابد که نه فقط دنیای مردم، بلکه آخرت مردم را نیز آباد کند، لذا، نه دنیای انسان به توهم دنبال‌گیری از آخرت مغفول واقع می‌شود و نه آخرت مورد غفلت قرار می‌گیرد (بیانات مقام معظم رهبری (علیه السلام)، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۱).

در مجموع، آموزه‌های دین اسلام با اندیشه‌های فردگرایانه لیبرالی و نادیده انگاشتن واقعیت‌ها و غایات و مصلحت‌های اجتماعی سازگار نیست؛ چرا که براساس اندیشه اسلامی، در تعارض میان مصلحت و منفعت جامعه با منافع شخصی، به ضرورت مصلحت جامعه مقدم داشته می‌شود و هیچ‌گاه جمع، فدای خواسته‌های زیاده‌خواهانه فرد نمی‌گردد (Arblaster, 2015: 400).

مقایسه بنیان‌های فکری در اسلام و لیبرالیسم

| لیبرالیسم | اسلام | |
|---------------------------------|-----------------------------------|--------------|
| ایدئولوژی انسانی | آیین الهی | نظام معرفتی |
| انسان‌محوری | خدا‌محوری | بنیاد معرفتی |
| نظام فلسفی و حقوقی انسان‌ساخته | دین و حیانی | مرجعیت |
| نگاه اومانستی و ابزاری به انسان | نگاه متعالی به سعادت و کمال انسان | انسان‌شناسی |

۲. مقایسه عدالت در الگوهای لیبرالی توسعه و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت: در الگوهای توسعه و پیشرفت، مسائل اقتصادی و نگرش به خواسته‌ها، هدف‌ها و وسایل تحقق آن‌ها، جزو مهم‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه‌هایی است که در شکل‌گیری و جهت‌گیری‌های الگوهای مورد نظر، نقش دارد؛ در نتیجه، هم در تحلیل الگوهای رایج توسعه در جهان و هم در تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، بررسی دیدگاه‌ها و اصول پایه اقتصادی و تدوین آن‌ها، از تعیین‌کننده‌ترین مسائلی است که باید به آن توجه شود؛ در این باره، یکی از

جنبه‌های ایجابی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، ایجاد و تحقق نظامی اقتصادی مبتنی بر عدالت است. براین اساس، یکی از مهم‌ترین وجه تمایزات الگوی پیشرفت با الگوهای لیبرالی توسعه در موضوع عدالت نهفته است.

مقایسه مکتب اسلام و لیبرالیسم بیانگر آن است که اسلام، دیدگاه جامع‌تری به دیگر مکاتب دارد. نکته جالب آنکه، در الگوی لیبرالیستی، تعریف‌های ارائه شده از توسعه یافتگی و توسعه جوامع، تنها در گرو رشد اقتصادی تعریف می‌شود و توجهی به مسائل معنوی صورت نمی‌گیرد. حال آنکه پیشرفت، یک مفهوم ارزشی به شمار می‌آید؛ چرا که دربرگیرنده همه کنش‌هایی است که به منظور سوق دادن جامعه بشری به سوی تحقق مجموعه‌ای منظم از شرایط زندگی جمعی و فردی، مطابق با ارزش‌های اجتماعی مطلوب برای هر جامعه، صورت می‌گیرد؛ در نتیجه، پیشرفت، مفهوم و مسئله‌ای فراتر از نوسازی، رشد اقتصادی یا رفع وابستگی است و علاوه بر بهبود سطح مادی زندگی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های سیاسی و حفظ و اشاعه ارزش‌های فرهنگی و هویتی و سنت‌های بومی و مذهبی را هم در بر می‌گیرد.

اگرچه آبادی و پیشرفت در نظام‌های مادی، وجود دارد، در این نظام‌ها حتی درباره پیشرفت‌های مادی نیز، تعادل و نگاه عادلانه، به چشم نمی‌خورد به این معنا که، حتی در بهره‌مندی از مواهب مادی هم، عدالت میان تمام افراد جامعه برقرار نیست. در چنین جوامعی، توجه به خدا، تقوا، پرهیزگاری، پاک‌دامنی، طهارت، گذشت، اغماض، ترحم و دستگیری از دیگران وجود ندارد؛ به علاوه، در این وضعیت، افراد نه تنها آرامش روانی و معنوی ندارند، بلکه از آرامش دنیوی هم، برخوردار نیستند. بی‌تردید، چنین پیشرفتی برای یک کشور و جامعه اسلامی مطلوب نیست. آنچه می‌تواند به عنوان پیشرفت در جامعه اسلامی رخ دهد، باید به برخورداری مادی و معنوی، از بین رفتن فقر، گسترش عدالت، تقوا، اخلاق، معنویت و پرهیزگاری منتهی شود (بیانات مقام معظم رهبری دامنه‌عالیه، ۷ مهر ۱۳۸۷).

بنابراین، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مبتنی بر مکتب اسلام، در مقایسه با الگوهای لیبرالی توسعه در برقراری و تأمین عدالت اجتماعی دارای تمایزات زیر است:

الف) تعریف عدالت: از دید متفکران لیبرال همچون جان راولز، مارتین والزر^۱ (ت ۱۳۰۶/۱۹۲۷)، آمارتیا سن^۲ (ت ۱۳۱۲/۱۹۳۳)، السدیر مک اینتایر^۳ (ت ۱۳۰۸/۱۹۲۹)، آمیتای تزینی^۴ (ت ۱۳۰۸/۱۹۲۹) و... نابرابری در عرصه‌هایی خاص، عین عدالت است؛ از این رو، در الگوهای لیبرالی توسعه، معمولاً از مساوات یا نابرابری به عنوان معنای عدالت یاد می‌شود (Follesdal, 2005: 75; Sandel, 2012: 90)، ولی طبق قوانین اسلامی، عدالت همانند نظر لیبرال‌ها، کاملاً استحقاقی نیست؛ زیرا در این صورت، به افرادی که توان کار ندارند یا از استعداد بالایی برخوردار نیستند، ظلم می‌شود. در عین حال، عدالت همچون نظر سوسیالیست‌ها، کاملاً توزیعی نیست؛ زیرا در این صورت، تفاوت بین افراد تلاشگر و بیکار مشخص نمی‌شود. همچنین عدالت، ترکیبی از دو مقوله یادشده (استحقاقی و توزیعی) نیست؛ زیرا، به شرایطی که انسان‌ها در آن رشد کرده‌اند، توجه می‌کند و می‌کوشد برای همگان، فرصت‌های برابری برای پیشرفت فراهم آورد؛ بر این اساس، می‌توان گفت که اسلام با ترکیب هر سه روش یاد شده، نگاهی جامع به عدالت دارد و در برقراری آن به مجموعه‌ای از شرایط توجه می‌کند که انصاف در قبال تمام مردم رعایت شود.

اگر پیشرفت همراه با عدالت نباشد، هیچ‌گاه پیشرفت مورد نظر اسلام محقق نمی‌شود. اگرچه افزایش تولید ناخالص ملی و درآمد عمومی کشور، امری مطلوب است، اگر در داخل کشور تبعیض، نابرابری، فقر و محرومیت وجود داشته باشد، پیشرفت مورد نظر اسلام پدید نمی‌آید. عدالت به معنای کاهش فاصله‌های طبقاتی و جغرافیایی و برخورداری همه از برابری در استفاده از امکانات و فرصت‌هاست (بیانات مقام رهبری علیه السلام، ۱ فروردین ۱۳۸۸).

در نتیجه، یکی از ویژگی‌های مهم جامعه در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، در مقوله عدالت، برخوردار بودن افراد آن جامعه، از فرصت‌های یکسانی است که دسترسی و اکتساب آن‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز عدالت در جنبه‌های گوناگون آن شود، به این معنا که بر

1. Martin Walser.
 2. Amartya Sen.
 3. Alasdair MacIntyre.
 4. Amitai Etzioni.

بنیای استدلال برابری همه انسان‌ها در برابر قوانین و بهره‌مندی از مواهب طبیعی، باید نظام حقوقی و اقتصادی، چنان شکل بگیرند که امکان بهره‌مند شدن همگان از فرصت‌های یک‌سان فراهم آید. در چنین جامعه‌ای، رفع فقر به هدفی اصولی و یکی از ویژگی‌های اساسی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت تبدیل می‌شود (سیحانی، ۱۳۹۳: ۲۵۳).

ب) نظام اقتصادی مطلوب: نظام اقتصادی مطلوب در الگوهای لیبرالیستی توسعه نظیر نوسازی سنتی و جدید، نظام سرمایه‌داری مبتنی بر بازار آزاد است که برقراری و تأمین عدالت در آن جایگاهی ندارد، زیرا معیار و شاخص پیشرفت در این الگوها، کمی است؛ مثلاً درآمد ناخالص ملی هر کشور که بیشتر باشد، توسعه‌یافته‌تر شناخته می‌شود، در حالی که مسئله مهم‌تر از درآمد ناخالص ملی، نحوه توزیع و تقسیم آن در میان افراد مختلف جامعه است. اگر در جامعه‌ای، درآمد ناخالص ملی به شکل چشم‌گیری افزایش یابد، ولی در عین حال، انسان‌هایی وجود داشته باشند که در فقر و تنگ‌دستی به سر برند، آن جامعه از لحاظ منطق اسلام به پیشرفت دست نیافته است (بیانات مقام معظم رهبری دامنه، ۱ فروردین ۱۳۸۸).

در نتیجه، نظام اقتصادی مطلوب در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، نظام اقتصادی مبتنی بر عدالت است. در این نظام، عدالت جایگاه مهمی دارد و همه اجزای جامعه، از جمله دولت باید در برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی بکوشند. به این معنا که نباید به دلیل فرعی، ابزاری و درجه دو بودن مسئله عدالت در دنیای سرمایه‌داری مبتنی بر لیبرال دمکراسی، جامعه اسلامی نیز، از عدالت به عنوان مسئله‌ای محوری و اصلی صرف نظر کند. جامعه اسلامی باید در قالب‌های اقتصادی و در کارکرد سیاست داخلی و خارجی خود به مسئله عدالت به عنوان مسئله‌ای محوری نگاه کند؛ زیرا اسلام را شاخص‌هایی همچون معنویت، عقلانیت و عدالت تشکیل می‌دهند (بیانات مقام معظم رهبری دامنه، ۲۵ مرداد ۱۳۸۳).

از این رو، آبادانی و اعتقاد به نجات حقیقی منوط به تحقق عدالت اجتماعی است و چنانچه پیشرفت در جهت استقرار عدالت نباشد، فاقد ارزش است (بیانات مقام معظم رهبری دامنه، ۱۷ آبان ۱۳۸۵). به علاوه، میان پیشرفت اقتصادی و عدالت اجتماعی رابطه‌ای

دوسویه وجود دارد، به نحوی که پیشرفت اقتصادی بدون عدالت اجتماعی، فاقد تأثیر در رفع فقر و محرومیت‌ها خواهد بود؛ از سوی دیگر، عدالت اجتماعی بدون پیشرفت هم، فاقد کارایی است (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۹).

در مجموع، برخورداری از نظامی اقتصادی مبتنی بر عدالت، جزو اولویت‌هایی است که در شکل‌گیری الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، باید به آن توجه شود. این نظام اقتصادی باید منطبق بر آموزه‌های دینی و تجربه بشری، طراحی شود و اجرایی شدن آن، جزو اولویت‌های جامعه قرار گیرد که عملاً اقتصاد را شکوفا و پرونق سازد. نظام اقتصادی عدالت‌محور باید به گونه‌ای باشد که ضمن مستظهر بودن به کار و کوشش یدی و فکری، نیازهای اساسی جامعه را تأمین کند تا از راه رفع این نیازها، به تحکیم عدالت اقتصادی اهتمام ورزیده شود.

ج) نسبت توسعه، پیشرفت و عدالت: در الگوهای لیبرالی توسعه، برقراری نسبت میان توسعه و عدالت نقص‌های اساسی دارد؛ چنان‌که در الگوهای لیبرالی توسعه، توجه جدی و چندان عمیقی به مقوله عدالت نشده است، زیرا اساساً در مکتب لیبرالیسم، عدالت جایگاه چندان مهمی ندارد، از این رو، در الگوهای لیبرالی توسعه، لزومی به برقراری و تأمین عدالت در جریان و روند توسعه وجود ندارد (Сошникова, 2017: 26). در حالی که در اسلام، پیشرفت مبتنی بر عدالت، تعریف می‌شود، به بیان دیگر، پیشرفت بدون عدالت معنا ندارد و دو مقوله پیشرفت و عدالت، هم‌عرض یکدیگر حرکت می‌کنند.

به بیان دیگر، عدالت یکی از شاخص‌های مهم پیشرفت است (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۲۲ مهر ۱۳۹۱) و بدون عدالت، پیشرفت مفهومی ندارد و بدون پیشرفت هم عدالت، مفهوم درستی پیدا نمی‌کند (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۲ شهریور ۱۳۸۷). پیشرفت بدون عدالت، همان نتیجه‌ای را خواهد داد که در تمدن پر جلوه غرب مشاهده می‌شود. در این تمدن، اگرچه ثروت، قدرت، علم و فناوری با رشد چشمگیری مواجه شده است، اما در عین حال، عدالت وجود ندارد (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۶ شهریور ۱۳۹۲). بنابراین، از نظر اسلام، پیشرفت بدون عدالت، اساساً پیشرفت محسوب نمی‌شود (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۸ فروردین ۱۳۹۰).

درواقع، یکی از ارکان اصلی الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی باید مسئله عدالت باشد (بیانات مقام معظم رهبری عظمت‌الله، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

در نتیجه، هرگونه الگوی پیشرفت بدون توجه جدی به مقوله عدالت، امری ناقص است، زیرا، به‌رغم آنکه می‌توان بدون عدالت به سطحی از رشد و ترقی دست یافت، اما نمی‌توان عدالت را بدون حصول رشد و ترقی در جامعه محقق کرد؛ از این‌رو، هر پیشرفتی به عدالت ختم نمی‌شود، اما اجرای صحیح عدالت می‌تواند به پیشرفت بینجامد. عدالت یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش پیشرفت و میزان سازگاری آن با ارزش‌های دینی است، به‌خصوص که در دین اسلام نیز، پیشرفتی مورد تأیید است که عادلانه باشد؛ پس، در طراحی و تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، عملاً پیشرفت بدون عدالت حاصل نمی‌شود و اگر تحقق پیدا کند، مطلوب نخواهد بود. پس، الگویی منجر به پیشرفت می‌شود که در قلب آن، به عنصر عدالت توجه جدی شده باشد.

د) هدف نهایی: هدف نهایی الگوهای لیبرالی توسعه از برقراری عدالت، بهبود وضعیت دنیوی انسان است، اما هدف از برقراری عدالت در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، زمینه‌سازی و ایجاد فضایی برای انسان است که بتواند در پرتو آن به حیات طیبه، دست یابد؛ از این‌رو، یکی از جنبه‌های ایجابی الگوی پیشرفت، تأکید بر اولویت اصول معنوی بر مصالح مادی است. این مسئله، از آن نظر اهمیت دارد که میان هدف غایی پیشرفت در اسلام و هدف غایی توسعه در غرب، تفاوت وجود دارد، درحقیقت، هدف غایی توسعه در غرب، تنها یکی از اهداف فرعی اسلام، به‌شمار می‌رود؛ زیرا، توسعه اقتصادی و رفاه مادی که هدف غایی نظریه‌های لیبرالی توسعه است، در مقایسه با هدف نهایی پیشرفت در اسلام که سعادت معنوی است، هدفی متوسط و به‌منزله وسیله و ابزاری برای رسیدن به مقصود نهایی محسوب می‌شود. حکومت اسلامی، ارزش‌های معنوی را بر مصالح مادی مقدم می‌دارد، در نتیجه، الگوی پیشرفت، هوشیارانه نوع «توسعه تک‌بعدی» یعنی توسعه صرفاً مادی را بر نمی‌تابد و در مقابل آن، «پیشرفت معنوی» را مطرح می‌کند که پیشرفتی همه‌جانبه

و جامع است و عدالت در همه شئون جامعه، اعم از مباحث فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را دربر می‌گیرد.

به‌دیگر بیان، پیشرفت مسئله‌ای همه‌جانبه است و ابعاد مادی و معنوی را دربر می‌گیرد، در عین حال که باید پیشرفت مادی و مباحثی همچون معیشت، اشتغال، پیشرفت‌های علمی و فناوری و همچنین رفع فقر، بیکاری، گرانی و تورم در دستور کار قرار گیرد، ضروری است که فکر روشن، اعتقاد عمیق، انگیزه روزافزون و جوشان و اخلاق انسانی و والای اسلامی هم، گسترش یابد (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۷ مهر ۱۳۸۷).

جایگاه عدالت در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و الگوهای لیبرالی توسعه با تأکید بر آرای

آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام

| الگوهای لیبرالی توسعه | الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت | |
|--------------------------------------|---|----------------------------|
| برابری | پرهیز از تبعیض | تعریف عدالت |
| نظام سرمایه‌داری مبتنی بر بازار آزاد | اقتصاد مقاومتی مبتنی بر نقش هم‌زمان دولت و بخش خصوصی در تأمین عدالت | نظام اقتصادی مطلوب |
| بی‌توجهی به عدالت در توسعه | پیشرفت مبتنی بر عدالت | نسبت توسعه، پیشرفت و عدالت |
| حیات دنیوی | حیات طیبه | هدف نهایی |

نتیجه‌گیری

بررسی الگوهای منبعث از مکتب فکری لیبرالیسم نشان می‌دهند که به‌رغم آنکه این الگوها هم از لحاظ مبانی، اصول و مکتب فکری با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند و حتی شیوه‌های گذار آن‌ها به سوی توسعه، متفاوت است و اهداف نسبتاً متفاوتی را نیز، دنبال می‌کنند، با این حال، نقاط مشترکی در میان تمام آن‌ها می‌توان یافت؛ برای مثال، رهیافت

معرفت‌شناسی تمام این الگوها مبتنی بر معرفت‌شناسی غیر دینی است. همچنین، در حوزه انسان‌شناسی نیز، تمام این الگوها بر نگاه اومانیستی به انسان تأکید دارند. در حوزه تحلیل وضعیت و نیل به وضع مطلوب، این الگوها اغلب دچار نگرش تک‌بعدی مادی به عقب‌ماندگی و توسعه هستند. به نحوی که هریک از این الگوها، با نقدهای جدی در این خصوص مواجه می‌باشند؛ علاوه‌براین، برداشت نادرست الگوهای لیبرالی توسعه از مفهوم سنت و مدرنیته و بی‌توجهی به ویژگی‌های فرهنگی جوامع مختلف باعث شده است که این الگوها از کارآیی چندانی در تحلیل شرایط موجود و تجویز راهبرد و راهکار جهت نیل به توسعه برخوردار نباشند. نقص بزرگ دیگری که این الگوها دارند، تعریف ناقص آن‌ها از عدالت است. به‌نحوی که یا برای عدالت، اولویتی قایل نیستند و یا تعریف آن‌ها از عدالت و شیوه‌های دستیابی به عدالت نادرست و ناقص است.

علت اصلی نارسایی و برداشت نادرست و ناقص از عدالت، مکاتب فکری‌ای هستند که الگوهای لیبرالی توسعه از آن‌ها نشئت می‌گیرند. این مکاتب که حاصل تفکر و اندیشه بشری هستند، در پی تحقق نظام و جامعه آرمانی خاصی برآمده‌اند که هیچ نسبتی با دین ندارند و تنها به رفاه مادی انسان می‌اندیشند. این مسئله، باعث شده که نگاه مادی و دنیوی به مقوله عدالت در این مکاتب پدید آید. عدالت جنبه‌های گوناگونی دارد و اگر نسبت آن با پیشرفت به‌درستی تعریف نشود، هیچ‌گاه عدالت در جامعه محقق نمی‌شود.

در این میان رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام با نقد دقیق و همه‌جانبه الگوهای لیبرالی به طرح و بیان ایرادات اساسی این الگوها به‌خصوص در حوزه تعریف، برقراری و تأمین عدالت پرداخته‌اند. بررسی اندیشه‌های ایشان بیانگر آن است که الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام از مبانی، آموزه‌ها و اصول اصیل و وحیانی اسلام ناشی می‌شود. به‌همین دلیل، این الگو در تعریف و شیوه‌های تحقق عدالت با الگوهای لیبرالی توسعه کاملاً تفاوت دارد. الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت با تعریف جامع از عدالت به طرح و تبیین نظام اقتصادی و سیاسی مطلوبی می‌پردازد که در آن، اقتصاد و شیوه حکمرانی همسو با تحقق عدالت قرار خواهند گرفت. نکته کانونی و اساسی این بحث، تأکید امام

خامنه‌ای (علیه السلام) بر «پیشرفت مبتنی بر عدالت» است. به نحوی که ایشان برخلاف الگوهای لیبرالی که توجهی به عدالت در جریان توسعه ندارند، هرگونه پیشرفت بدون عدالت را نفی و عدالت و پیشرفت را به عنوان دو مؤلفه و مفهوم همگام عنوان می‌کنند.

کتابنامه

قرآن کریم.

تبیین عددی - تاریخی کلیدواژه «عدالت» در بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۵). پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹). بیانات ۱۴ اردیبهشت، دسترسی در: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

_____ (۱۳۸۳). بیانات ۲۵ مرداد، دسترسی در: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

_____ (۱۳۸۵). بیانات ۱۷ آبان، دسترسی در: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

_____ (۱۳۸۷). بیانات ۲ شهریور، دسترسی در: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

_____ (۱۳۸۷). بیانات ۷ مهر، دسترسی در: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

_____ (۱۳۸۸). بیانات ۱ فروردین، دسترسی در: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

_____ (۱۳۸۹). بیانات ۱۰ آذر، دسترسی در: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

_____ (۱۳۹۰). بیانات ۸ فروردین، دسترسی در: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

_____ (۱۳۹۱). بیانات ۲۲ مهر، دسترسی در: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

_____ (۱۳۹۱). بیانات ۲۷ اردیبهشت، دسترسی در: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

_____ (۱۳۹۲). بیانات ۶ شهریور، دسترسی در: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

سبحانی، حسن (۱۳۹۳). اسلام و اقتصاد، تهران، دانشگاه تهران.

راش، مایکل (۱۳۸۳). جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

Arblaster, Anthony (2015). *The Rise and Decline of Western Liberalism*, Publisher: Oxford.

Bader. Ralf M. (2013), *Robert Nozick*, London: Bloomsbury Academic.

Barry. Norman P. (2015). *Hayek's Theory of Justice*, Hamburg , Springer International Publishing AG. Part of Springer Nature.

Follesdal. Andreas (2005). *Real world justice: grounds, principles, human rights, and social institutions*, Dordrecht: Springer.

Hoogvelt, Ankie M. M. (1982). *The third world in global development*, London, Publisher: Macmillan.

Lister. Andrew(2011). *The 'Mirage' of Social Justice: Hayek Against (and For) Rawls*, University of Oxford, CSSJ Working Papers Series.

Luik, John C (1998). "Humanism", *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, Edward Craig (ed), London, Publisher: Routledge, Vol. 4.

- Rawls. John (2005). *Political Liberalism*, New York: Columbia University Press.
- Sandel. Michael (2012). *Liberalism and the Limits of Justice*, New York: Cambridge University Press.
- Schapiro, Jacob Salwyn (2012). *Liberalism: its meaning and history*, Publisher: Van Nostrand.
- Sorensen, David G (2015). *A Liberal World Order in Crisis: Choosing between Imposition and Restraint*, New York, Cornell University Press.
- Vincent, Andrew (2009). *Modern political ideologies*, Publisher: Wiley-Blackwell.
- Walters, Nicolas (2016). *Humanism – What's in the Word*, London, Publisher: Rationalist Press Association.
- Гавров, Сергей Назипович(2012). Модернизация, Социокультурная антропология: история, теория, методология. Энциклопедический словарь, Москва, Академический проект : Константа.
- Малков А. С., Божевольнов Ю. В., Халтурина Д. А., Коротаев А. В.(2015), К системному анализу мировой динамики: взаимодействие центра и периферии Мир-Системы // Прогноз и моделирование кризисов и мировой динамики, Москва, ЛИБРОКОМ.
- Сошникова, Татьяна Александровна(2017). Социальная справедливость и гуманизм в современном государстве и праве, Москва, Издательство Московского гуманитарного университета.